

چهل روز بعد از فاجعه استخوان سوز شهادت فرخنده بنیاد «فرخنده شهید» از جانب خانواده وی افتتاح شد



چند روز قبل از چهلمین روز قتل فجیع و ددمنشانه «فرخنده شهید»، بنیادی از جانب فامیل داغدار وی، رسماً ایجاد گردید تا از یک جانب با خرافات و فعالیت متولی های مزوری که در راه فریب و خدعه تجارت ناجائزی را براه انداخته اند، مجادله صورت گیرد، از جانب دیگر برای تأمین عدالت در قسمت خشونت بر زنان بیدفاع، کانونی بتواند از حق آنان پشتیبانی نماید. ضمناً پدر «فرخنده» در محفلی که به این مناسبت برگزار شده بود، از نهادهای عدلی و قضایی افغانستان خواست تا عدالت را به گونه درست در مورد دخترش، تأمین کنند و برقراری هرچه زودتر محاکم عدلی را در قضیه دختر مظلوم و بیدفاعش که به طور ددمنشانه و غیر انسانی به قتل رسید، دائر نموده و به انتظار مردم افغانستان که شدیداً منتظر نحوه بازخواست و دادخواهی درین جنایت بینظیر هستند، خاتمه داده شود، تا مجازات مجرمین بتواند درس عبرتی برای گروه های زن ستیز، مردسالار و افراط گرا و آنانی که حق طبقه نسوان مملکت را با مظالم وسیع بر زنان، زیر پا میگذارند، بشود. در این حال شماری از سناتوران در مشرانو جرگه افغانستان از این اقدام خانواده فرخنده استقبال نمودند.

همانطور که در مطبوعات مشاهده نمودیم، روز چهارم «فرخنده شهید» گروه های مختلفه ای اعم از فعالان جامعه مدنی، متعلمین و محصلین و طبقات مختلفه اجتماعی دست به مظاهرات وسیعی زدند و همه یکصدا اجرای هرچه زودتر عدالت در قضیه شکنجه، قتل، سوزاندن و اهانت به

کرامت انسانی، قتل فجیع آن دختر مظلوم افغان در وطن خودش را از مقامات مسئول درخواست مینمودند.

ناگفته نماند که تأثیر این تراژیدی بیمثال انسانی آنقدر بر روحیه و احساس مردم افغانستان تأثیر نموده است که در برگزاری مراسم مختلفه و مظاهرات در روز چهل «فرخنده شهید»، تعداد زیادی در محضر عام چگونگی آن جریان فجیع را در مراحل مختلفه از آغاز تا انجام با مهارت و همبستگی خاصی تمثیل نمودند. حتی تصاویر گوناگون از آن «صحنه تأثر در نزدیک شاه دوشمشیره»، دختران و پسرانی را نشان میداد که قدم به قدم با پوشیدن البسه و آرایش مختلف، بار دیگر آن منظره رقت بار و غیر قابل باور را با مهارت تمام در انظار زنده نمودند، دختری که مانند «فرخنده» لباس سیاه پوشیده بود، مویش را پریشان و رویش را خون آلود ساخته بود، بر روی سرک زیر پاها و لت و کوب تمثیلی از سویی به سوی دیگر کشانیده میشد. این حرکت و صحنه سازی عجیب، آنهم در محضر عام، تمثیلی از احساسات پاک و رقت قلب عده بیشماری بود که بدون شک چنین یک جنایت فجیع غیر بشری تا مغز استخوان آنان نفوذ نموده است.

طوریکه میدانیم بتاريخ ۲۸ ماه حوت به حکم رئیس دولت افغانستان «اشرف غنی» کمیونی برای بررسی قضیه قتل «فرخنده» که در نزدیک مسجد شاه دوشمشیره صورت گرفت، به سرپرستی «مولوی محی الدین بلوچ» دایر گردید که در آن یک عده به شمول «مولوی محمد عمر فاروقی، استاد محمد حسین محقق زاده، فوزیه کوفی، شینکی کروخیل، شهلا فرید، محبوبه سراج، نجیب الله عزیززی، شمس الله احمدزی، خیلواک صافی و مجیب الرحمن خلوتگر» شامل اند. این کمیون گویا وظیفه دارد که جنبه های حقوقی و شرعی این جنایت علنی را سنجیده و به زودترین فرصت به مقام ریاست جمهوری اطلاع دهد.

همچنان به وزارت داخله هم هدایت صادر گردید که هرچه زودتر از لحاظ امنیتی و پیگیری قضیه بصورت همه جانبه فعالیت اساسی را روی دست گرفته و دقیقاً با کمیون مذکور همکاری لازم را بنماید.

حال سوالی مطرح می شود که بعد از چهل روز و اندی، واقعاً کار دادخواهی و اجرای عدالت در زمینه چنین جنایت خاص و فجیعی به کجا رسیده است؟ با تعیین گروهی از جانب رئیس جمهور برای پیگیری قضیه و فعالیت اولیای امور مسئول در دولت افغانستان و گرفتاری و شناسایی تعداد زیادی از دست اندرکاران در بوجود آوردن چنین فاجعه هولناک بشری به کمک تلیفون های فعالی که مانند صحنه های هالیوود از مراحل مختلفه فاجعه خونین عکس برداری مینمودند، چرا بعد از سپری شدن بیشتر از چهل روز از آن آدم کشی علنی، هیچگونه خبری حتی برگزاری یک محکمه ابتدائیه، منتشر نشده است؟ البته چند روز قبل صرف خبر دستگیری شخصی بنام «بریالی ولد مسجدی» که دارنده موتوری بود که بر روی جسد «فرخنده مظلوم» سبغانه با شاهکاری تمام عبور و مرور مینمود و در ولایت کاپیسا پنهان شده بود، نشر گردید. در فرهنگ معافیت، مصلحت گرایی و واسطه بازی که در افغانستان مروج است، بیم آن میرود که قضیه خونین قتل و شکنجه «فرخنده شهید» بعد از مدتی مانند بیشمار جنایات هولناک و غیر انسانی بر زنان وطن، مثلاً حادثه فجیع کشتن «نادیه انجمن» شاعره توانای افغان در هرات توسط شوهرش و هزارانی دیگر، بعد از هیاهوی چند، از خاطره ها رفت و شوهر آزاد گردید، پامال جفای مرد سالاری و روشناسی و واسطه بازی گردد.

بهر حال میترسیم که این جریان تکان دهنده و غیر مجاز شکنجه علنی در روز روشن و در محضر عام، قتل ابتکاری و فجیع و ددمنشانه یک دختر معصوم بیدفاع در حضور صدها هموطن بی احساس و سنگدل به شمول پلیس ملی «!» و سوختاندن جسد از هم پاشیده وی به شیوه غیر

انسانی و سخیف که برای اولین بار در مملکت ما مانند انقلابی داعیه فریاد زنان مظلوم افغان را بالا نموده است، پامال جفای بیعدالتی گردیده و با امکانات فساد اداری، کمرنگ و کم ارزش گردد. به قسمتی از خبری که در وبسایت ملی «گران افغانستان» از قول یکی از رسانه ها منتشر شده است، توجه می نمایم:

(کابل: روز گذشته رسانه‌ها گزارش دادند که یکی از متهمان اصلی دوسیه زجرکشی فرخنده، با پرداخت سی هزار دالر رشوه به یک افسر پولیس، فرار کرده است. این گزارش از قول کمیته حقیقت یاب قتل فرخنده به نشر رسیده است. چندی پیش جنرال ظاهر، مسول پرونده زجرکشی فرخنده، به رسانه‌ها گفته بود که برخی از پول داران تلاش می‌کنند متهمان قتل فرخنده را از بند رها کنند. رویداد فرار یک متهم به وضوح نشان می‌دهد که پولیس کابل و تمام لایه‌های جنایی و استخباراتی آن، تا چه حد مستعد فساداند. شبکه‌های فساد مالی و اداری، به تمام لایه‌های پولیس کابل و دیگر شهرهای کشور رخنه کرده است. این واقعاً نگران‌کننده و شرم‌آور است. وزیر داخله، رییس تحقیقات جنایی و دیگر مقام‌های این وزارت وعده کرده بودند که دوسیه قتل فرخنده را با جدیت دنبال می‌کنند. رییس‌جمهور و رییس اجرایی نیز چنین سخنانی بر زبان رانده بودند.)

با نشر چنین اخباری لازم است که جامعه مدنی، مؤسسات حمایه از حقوق زنان، کمسیون حقوق بشر افغانستان و بصورت عموم همه آنانی که در جوامع داخلی و خارجی افغانستان در اقصی نقاط عالم، ازین فاجعه خونین متأثر گردیده و برای برقراری عدالت و بازخواست جنایتکاران و مغرضین در چنین یک قضیه المناک، با ایجاد مظاهرات و عکس العمل‌ها نفرت خویش را ازین عملیه سخیف ابراز داشتند، نگذارند تا این خون مقدس با فساد اداری و مصلحت گرایی پامال جفای قدرتمندان گردد. درین راه بهتر همان است که فشار عامه و مؤسسات مبارزه برای حقوق زنان و جامعه مدنی بدون ائتلاف وقت، دقیقاً بالای دو مقام مسئول دولت افغانستان، مخصوصاً رئیس اجراییه که وعده‌های قانونیت و پشتیبانی از یک جامعه مرفه را تضمین نموده بود و وظیفه‌تاً چنین مسئولیتی را عهده دار هم می باشد، بدون وقفه و معطلی تطبیق گردد. حتمی است که پارلمان مخصوصاً ولسی جرگه هم باید از تأخیر در اجرای مراحل قانونی و عدلی این قضیه دردناک صدا بلند نماید، تا فرصت فرار از چنگ قانون و بازخواست متهمین میسر نگردد. درین قضیه حساس که جامعه زنان افغانستان دقیقاً منتظر اقدامات قانونی و عدلی برای نمونه‌ای از روش جدید دولت برای تأمین عدالت برای آینده آنان می باشد، اغماض و ندانم کاری، دردی جانکاه و غیر قابل پذیرش برای جامعه زنان افغانستان و عدالت خواهان خواهد بود. وزیر داخله که دقیقاً مسئولیت وقوع چنین فاجعه ایرا دارد، باید هر روز اطلاع و پیشرفت جریان بازخواست و طی مراحل قانونی را به مردم افغانستان بر عهده بگیرد و هرچه زودتر قضیه را به محاکم تسلیم نماید، ولی دیده میشود که کفایت کاری وی بیشتر زبانی است تا عملی.

آغاز رشوت دهی و اغماز متهمین قتل و شکنجه «فرخنده شهید»، زنگ خطری است در پامال اجرای قانونیت و بازخواست از همه جنایتکاران دخیل در چنین یک فاجعه غیر انسانی، غیر اسلامی و غیر افغانی. تأخیر در آغاز اقدامات قانونی و طی مراحل حقوقی آن، دقیقاً ترس، ناامیدی و نگرانی جامعه را بار آورده است.

پایان